

گفتگو با حسن صالحی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در تلویزیون کانال جدید

کور شدن به جرم زن بودن

کیان آذر: آمنه بهرامی دو چشمش را در ۷ سال پیش به دلیل اسید پاشی توسط مجید موحدی از دست داده است. همین شنبه یعنی فردا قرار است حکم قصاص اجرا شود. با شنید این خبر عکس العمل فردی شما چیست؟

حسن صالحی: اول اجازه بدهید احساسم را نسبت به درد و رنجی که آمنه با این فاجعه و در این چند سال متحمل شده است بیان کنم. همانطور که می دانید مجید که بر صورت آمنه اسید پاشید ظاهر عاشق وی بوده و زمانی که آمنه جواب نه می دهد تصمیم می گیرد که به صورت او اسید بپاشد و این جنایت هولناک را مرتکب شود. به نظر من این یک مورد عادی جنایت نیست. این یکی از صدها نمونه خشونت علیه زنان است که متاسفانه در جامعه مردسالار امروز خیلی عادی جلوه می کند و یا شاید هم قابل قبول چون پای یه زن در میان است و زن هم در ین جوامع آدم به حساب نمی آید، همانطور که مثلا قتل های ناموسی در کشورهای مثل بنگلادش و پاکستان به وفور انجام می گیرد و دختران و زنان زیادی قربانی می شوند و تازه متهمین به این قتل ها بعنوان



نام: آمنه بهرامی
جرم: زن بودن
جرم: زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی
جرم: فرهنگ منحن مردسالاری
جرم: ادامه حاکمیت مذهب
مجازات: کور شدن و از بین رفتن صورت.



متفاوت است. کاراکترها و "بازیگران" با وسواس عجیبی از میان زنان انتخاب می شوند.

خانه امن زنان

کیوان جاوید - سردبیر

اینجا ایران است. آمنه بهرامی در فیلمی واقعی از دو چشم کور شد و تصویر بعد از اسید پاشی به صورتش آنقدر دردناک است که نمی شد در نشریه چاپ کرد. اینجا دیگر انتخابی نیست. کودکان هم او را در خیابان خواهند دید. حتما فوراً سرها را بر می گردانیم تا چشم در صورتش نیندازیم. غیر قابل تحمل است. دردناک و ترسناک است. آمنه نمی تواند بعد از پایان "فیلم" گریم را پاک کند. و بگوید و بخندد و از صحنه های با حال در زمان فیلمبرداری بگوید. ترسناک است. او تماما تباه شده است. آمنه نابود شده است. همینکه همچنان می گوید و می جنگد واقعا ستایش بر انگیز است. هر چند سلاح اشتباهی برای جنگیدن برداشته است. - چشم در برابر چشم -

آخر کدام وحشی و دیوانه و مخوف می تواند اینچنین سنگدل و

اینجا ایران است، جهنم زنان. انگار پای یک فیلم ترسناک نشسته آید و هر لحظه جنایتکار دارد جان یکی را با قساوت و درنده خوئی و در کمال خونسردی می گیرد. این فیلم ها را کودکان نباید تماشا کنند. معمولا این فیلم ها را بزرگتر ها هم با ترس و وحشت نگاه می کنند. بسیاری هم فوراً یا کانال عوض می کنند، یا تی وی را می بندند.

اینجا ایران است. تلویزیون نیست که خاموش کنی. هنرپیشه نیستی که بعد از هر سیانس در باره اشتباهات پیش آمده بگویی و بخندی. دستمزدی هم پرداخت نمی شود. در دنیای واقعی و خصوصاً در کشورهای اسلامزده اگر زن باشی شانس کمی برای پیدا کردن کار خواهی داشت. باید از هفت خوان محمد و علی و حسین و ... بگذاری تا بتوانی روی پای خود بایستی. اما در این مورد مشخص همه چیز بطور عجیبی

خانه امن زنان

روانی باشد که با دختری زیبا که هزار آرزو در دل دارد اینطور رفتار کند. زندگی آمنة نمونه بارز و خشن و غیر قابل فراموش شدن از زندگی زن در جوامع اسلام زده و مذهب زنده است. نشانی دیگر از اینکه در این دنیای وارونه همه چیز بر پایه سود و منافع مادی می گذرد. دنیایی که برای دیدار با سران و گردانندگان همین کشورهای اسلامزده از سوی دول "دمکرات" و "متمدن" در غرب فرش قرمز پهن می شود و برای تامین سود چشم بر همه قوانین جنایتبارشان می بندند.

جنایت آنقدر علیه زنان زیاد است که متأسفانه بدون زحمت می شود صدها نمونه از همین ایران تحت حاکمیت حکومت خدا آورد. "از خانه وحید حدود ۱۰۰ ساعت فیلم بدست آمده است که نشان میدهد او همسرش را چگونه شکنجه می کرده است." این زن جوان خوشبختانه دیگر شکنجه نمی شود. اما نه به این خاطر که کارآگاهانه مجرب، از همان انواعی که در فیلم های مورد بحث می بینیم، جنایتکار را سر بزنگاه دستگیر و به سزای اعمال ضد انسانی اش رسانده باشند. این زن جوان که کسی هم لازم ندید اسمش را فاش کند، بعد از شکنجه های فراوان کشته و جسدش در چاه انداخته شد. او دیگر شکنجه نمی شود.

وحید آنقدر آگاه و هوشیار بود که موقع شکنجه کردن همسرش از او فیلمبرداری کند. احتمالاً بعد از پایان یافتن موفقیت آمیز ثبت این صحنه ها پای ویدئو هامی نشست و نگاه کارشناسانه به آنها می انداخت تا برای بعد نکات اشتباه تکرار نشود. شاید وحید بتواند با ارائه این خلایق خود در شکنجه از احمد نژاد مدال افتخار بگیرد و در زندان اوین یا کهریزک دوم به مقامی برسد.

نه، نه، نه، دیگر بس است. نمونه لازم نیست. شمارش این نمونه ها دردی را درمان نمی کند. باید کاری کرد. باید اقدامی صورت داد. باید آستین بالا زد. این ها فریاد خاموش هر کسی می تواند باشد که از شنیدن و دیدن چنین نمونه هایی احساس شرم و گناه می کنند. احساس اینکه ما هم باید به سهم خود کاری کنیم و راهی پیدا کنیم.

اولین قدم برای کاری انجام دادن این است که این پدیده شوم و ضد انسانی را بشناسیم. باید بشناسیم که با چه موجود بی رحمی به نبرد بر می خیزیم. باید بدانیم چرا این همه جنایت سازمان یافته علیه زنان صورت می گیرد و چرا این همه جنایت در درجه اول در کشور های اسلام زده و فقر زده صورت می گیرد. باید یاد بگیریم برای رفع خطر در قدم اول باید قوانینی باشد که فوراً زنان و قربانیان را مورد حمایت مادی و اقتصادی و امنیتی قرار میدهد.

بگذارید نمونه ای از انگلیس بیاورم. حدود دو سال پیش دوستی می گفت دختر عمویش از دست شوهر اسلامی و مفت خورش به تنگ آمده است. این مرد اسلامی تمام حرکات زن را کنترل می کرد و تمام رفت و آمد ها و نشست و برخاست های این زن باید با اجازه و در حضور شوهر صورت می گرفت. یک روز زن تصمیم می گیرد از دست این مرتجع اسلامی خلاص شود. طی یکی دو ساعتی که مرد برای خوش گذرانی یا عبادت در خارج خانه بود، زن تمام وسایل مورد نیازش را برداشته و طی چند ساعت در خانه امن زنان مورد خشونت قرار گرفته جای می گیرد. به گفته آن دوست، حالا دختر عمویش زندگی ای جدیدی را شروع کرده است و اوضاع بر وفق مراد است.

آیا این خام خیالی نیست که از نمونه انگلیس استفاده کنیم و بخواهیم برای زنان در ایران نسخه ای واحد بپیچیم؟ درست است. در ایران این حکومت است که ضد زن است. زن نمی تواند از دست جانی کوچک به جانی بزرگ پناه ببرد. آن نمونه ای که از انگلیس آوردیم، احتمالاً اگر در ایران زندگی می کرد. حالا باید اسمش در ردیف سنگسار شدگان یا شکنجه شدگان یا مقتولین بدست شوهر بود. کار ما در ایران به مراتب سخت تر است. به این دلیل مردم ایران و خصوصاً زنان و جوانان در ایران عزم جزم کرده اند که این حکومت را سرنگون کنند. این حکومت آنقدر فاسد و ضد اجتماع و ضد زندگی و ضد زن است که فقط باید جراحی شود و از بین برود. برای رهائی و خلاصی از این زندگی مصیبت بار کوتاه ترین راه چاره، سرنگونی این حکومت است.

اما برای محافظت از زنان و کودکان و همه قربانیان خشونت بعد از سرنگونی

جمهوری اسلامی در قدم اول باید بهترین و مجهزترین خانه های امن را بوجود آورد. لازم نیست اول به کسی ثابت شود که مراجعه کننده به خانه امن مورد تهدید است. باید به صرف اینکه کسی فکر می کند مورد تهدید است فوراً در خانه امن با امکانات مکفی اسکان داده شود و بعد قدم های بیشتر در جهت حل مشکل فرد در خطر برداشته شود. همزمان باید کار فرهنگی عظیمی صورت گیرد تا باقیمانده رسوبات اسلامی و مردسالار و مذهبی از ذهن همه احاد جامعه برای همیشه زوده شود. باید همه آنهایی که طی این چند دهه فرهنگ منحط اسلامی بر ذهنشان سنگینی کرده است و در معرض اشعه مرگبار اسلامی قرار گرفته اند، آنچنان آموزش ببینند تا نگاه زشت اسلامی و مذهبی و مردسالارانه از زندگی آنها برای همیشه پاک شود. همیشه و در همه حالا باید همه بدانند که اذیت و آزار زنان در جامعه، جرمی سنگین و غیر قابل گذشت است و مجرم حساب پس میدهد. *

مفتی مفتخور در عربستان

محمد النجیمی، مفتی مرتجع اسلامی در عربستان گفت: بیرون رفتن دختر با شوهر خود در دوران نامزدی جایز نیست. وی اعلام کرد: دختر نباید در دوران نامزدی و پس از ثبت عقد، بدون همراهی شخص محرم با شوهر خود بیرون برود مگر آنکه رسماً عروسی کند.

وی که عناوینی چون "دکتر" و عضو مطالعات و تحقیقات حقوقی در دانشکده امنیتی ملک فهد و کارشناس مجمع فقه اسلامی را یدک می کشد در ادامه گفت: یکی از عوامل طلاق در دوران نامزد، بیرون رفتن دختر با شوهر بدون همراهی شخص محرم می باشد که این مورد خلاف شرع است.

النجیمی در ادامه گفت: دختر در دوران نامزدی نباید بدون محرم با شوهر خود بیرون برود و نیز نباید با او خلوت نماید. پسر نیز نباید در دوران نامزدی با همسر خود بیرون برود زیرا این کار شرعاً حرام است و دختر نیز نباید با او همراهی نماید. این مرتجع اسلامی در گذشته نیز با صدور فتوایی هرگونه اختلاط مردان با زنان را حرام اعلام کرده و حتی خواستار مجازات و اعدام "خاطیان" شده است. *

گفتگو با حسن صالحی "پاسداران شرف" به طوری مورد تقدیر هم قرار می گیرند. در جامعه ای که زن بر بدن خودش بر نیازهای خودش و بر احساساتش خود کنترل و اختیار ندارد و مایملک مرد، همسر و یا پدر و برادر خود محسوب می شود، معلوم است که زنان برای اینکه کنترل بشوند بطور سیستماتیک مورد خشونت قرار می گیرند. خود نمونه جمهوری اسلامی یک نمونه بارز و آشکار از خشونت بی رحمانه دولتی علیه زنان است و با قوانین متجرانه اش متأسفانه این را هر چه بیشتر در جامعه مرسوم کرده است. بنابراین من جنایت علیه آمنه را در دسته بندی جنایت علیه زنان قرار می دهم و با ایشان عمیقاً احساس همدردی می کنم و با صدای بلند اعلام می کنم که هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده و در جامعه باید با اعمال مجازات سنگین روبرو شود و تمام امکانات جامعه از جمله تصویب و اجرای قوانینی که رفع فوری تبعیض علیه زنان را مورد نظر دارد و همچنین با انجام کار فرهنگی و مبارزه با سنتهای ها عقب افتاده باید کاری کنیم تا زمینه های خشونت علیه زنان در جامعه را از میان ببریم. اما من با قصاص این سیستم قضایی بیرحمانه اسلامی هم مخالفم و مجازات چشم در مقابل چشم را از اساس ضد انسانی و غیر قابل قبول و عشیرتی می دونم و طبعاً اجرای حکم قصاص علیه مجید را شدیداً محکوم می کنم و دعوت این است که برای جلوگیری از خشونت هم از جمله علیه خشونت نسبت به زنان و هم قوانین بیرحمانه قصاص هر دو با هم قاطعانه ایستاد. از نظر من یک سیستم قضایی انسانی محور از یکطرف بر مصون نگاه داشتن جامعه از ارتکاب مجدد جرم و از طرف دیگر جلوگیری و پیشگیری از بروز جرم متکی است و نه انتقام و نه عبرت گرفتن جامعه!

کیان آنر: این اولی بار است که در جمهوری اسلامی چنین حکمی اجرا می شود. بعد از این وارد چه مرحله ای از تاریخ قصاص در ایران می شویم؟

حسن صالحی: راستش در بیان چنین نکته ای که عرض کردید قدری باید محتاط بود. من نمی دانم که آیا پیش از این جمهوری اسلامی از طریق ریختن اسید کسی را قصاص کرده است و یا نه ولی همه می دانیم که جمهوری اسلامی رژیمی است که از قضا با پاشیدن اسید بر روی صورت

زنان و کوبیدن پویز بر سر آنها بخاطر اینکه آنها را به اجرای قوانین و حجاب اسلامی وادار کند بر سر کار آمد و مجازاتهای وحشیانه اسلامی نظیر سنگسار و پرتاب متهمین از بلندی و قطع دست و پا و بریدن انگشتان و نظیر اینها در پرونده اش ثبت شده است. جمهوری اسلامی سبیل توحش هست و هدفش هم از اینکارها بیشتر از اینکه مجازات مجرمین باشد ارباب و ترساند جامعه و به تمکین واداشتن آن است و بهیچوجه نباید در تله جمهوری اسلامی افتاد. و افتادن جمهوری اسلامی عامل اصلی جرم و جنایت در آن جامعه را از میان بر خواهد داشت.

کیان آنر: معصومه عطایی از دیگر قربانیان اسیدپاشی است که او نیز از دو چشم نابینا شده است. او به دیدار آمنه رفته است و به او گفته است قانون ما قانون اشتباهی است. قانون اجرای حکم را گردن ما انداخته است تا خودمان این کار را بکنیم. کدام یک اشتباه می کنند آمنه یا معصومه؟

حسن صالحی: من طبعاً با خانم معصومه هم عقیده هستم که قانون نباید اجرای حکم را به گردن کسی که مورد تعدی قرار گرفته بیاندازد. منتها دقت داشته باشید که الان جمهوری اسلامی گفته که حتی اگر آمنه هم خوش نخواهد حکم را اجرا کنند، آنها خودشان حتماً حکم را به مورد اجرا خواهند گذاشت. مسئله اصلی به از میان برداشتن قوانین قصاص از بیخ و بن بر می گرده. روشن است که طبق استانداردهای یک سیستم قضایی انسانی تعیین مجازات به قربانیان جنایت و به اصطلاح مرسوم به "صاحبان خون" واگذار نمی کنند دقیقاً به این خاطر که هدف از مجازات تسکین درد و رنج قربانیان نیست اگر چه درد و رنج اینها خیلی زیاد می تونه باشه.

کیان آنر: آمنه می گوید بهیچ وجه قصد انتقام ندارد می خواهد کاری کند که دیگر کسی دست به این جنایت نزنند آیا آمنه موفق خواهد شد ریشه این جنایت را بخشکاند؟

حسن صالحی: به نظرم من آمنه حتی اگر نظر درستی هم در این مورد می داشت به تنهایی نمی توانست ریشه این جنایات را بخشکاند، لازمه از بین بردن ریشه این

جنایت یک مبارزه وسیع همه جانبه اجتماعی است که از قضا هدف اولش باید سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. چون جمهوری اسلامی یک رژیم ضد زن است و از قضا عملکرد این رژیم هست که باعث شده خشونت نسبت به زنان در جامعه و خانواده رشد و گسترش بی سابقه ای در ایران داشته باشه. به نظر من آمنه زن آزاده ای هست که اگر از قضا می خواهد آزار و خشونت نسبت به زنان پایان بگیرد نباید خودش را با قوانین قصاص جمهوری اسلامی تداعی کند بلکه باید خلافتش عمل کند و جلوی آن بایسته. علاوه اینکه آمنه بارها گفته که هدفش انتقام نیست و درس و عبرت برای جامعه است. من با این فرمول درس عبرت هم مخالف هستم. حالا کاری نداریم که اجرای قوانین قصاص یعنی ایجاد ترس و وحشت در جامعه و تحکیم پایه های رژیم اسلامی. سؤال این است که چگونه می شه از بروز چنین جنایاتی در آینده جلوگیری کرد؟ از طریق ریختن اسید در چشم و یا از طریق از بین بردن زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت و خشونت نسبت به زنان؟ من به دومی رای می دهم و در این زمینه کارهای زیادی در دستور جامعه قرار دارد.*

سه عامل "ابتدال"، !!؟

حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه: سینما، موسیقی و رمان، سه عامل اصلی وجود ابتدال فرهنگی در کشور هستند او گفت: این ابتدال در ابتدا از سینمای هالیوود شروع شد و بعد به سینمای ایران هم سرایت کرد. او گفت: یکی دیگر از عوامل ابتدال فرهنگی در ایران بحث موسیقی است؛ امروز دیگر موسیقی سنتی به کناری رفته و موسیقی هایی از قبیل راک، متاد، پاپ و ... به میدان آمده است. در این نوع از موسیقی ها شعرهای ضداخلاقی زیادی خوانده می شود و ناامیدی در آن به وفور یافت می گردد و می توان گفت که ضرر این نوع از موسیقی ها از مواد مخدر بیشتر است.

وی در مورد رمان گفت در بسیاری از رمان ها نتیجه ای به دست می آید که یأس و ناامیدی در آن موج می زند و معمولاً در آنها به رابطه دختر و پسر یا خیانت زن شوهردار یا بالعکس پرداخته می شود؛ همین رمان ها باعث بلوغ زودرس جوانان می شود؛ البته چند سالی است که رمان هایی با موضوعات مذهبی به میدان آمده که توانسته جو خوبی را در بین این رمان ها ایجاد کند.*

شناخت ابتدال آسان است. به آخوند نگاه کنید!

صفحه جنایت سازمان یافته اسلامی

مخالفت یک نماینده با قاضی شدن زنان به گزارش سرویس فرهنگی اجتماعی شبکه خبری آتی نیوز، حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی طباطبایی نژاد، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، در گفت و گو با شبکه خبری آتی نیوز در خصوص انتشار خبر انتصاب قاضی زن برای نظارت بر امور زنان زندانی سخن گفت و اظهار داشت: می توان از زنان در بحث نظارت بهره ببریم، ولی در بحث قضاوت خیر.

عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس با توجه به اینکه اسلام، قضاوت را برای زنان به دلیل قضاوت توأم با احساسات رد کرده، گفت: مقام قضاوت منتسب به مردان است و زنان تنها می توانند دادیاری و نظارت بر امور مجرمین زن داشته باشند و پرونده آنان را بررسی کنند که حقی از آنان ضایع نشود.*

یادمان باشد موضوع این نیست اگر زنان در جمهوری اسلامی قاضی باشند به برابری رسیده اند. مسئله نگاه بیمار اسلامی به زنان است.*

هشدار رئیس نمایشگاه به غرفه داران بدپوشش

وی در پاسخ به سوالی درباره نحوه برخورد این کمیته با غرفه دارانی که شئونات را رعایت نمی کنند، با بیان اینکه "رعایت شئونات اسلامی جزو واجبات است" تاکید کرد: فضای نمایشگاه بسیار گسترده است و ممکن است اتفاقاتی از این دست بیفتد که با آنها برخورد می شود، اما رویکرد ما حفظ حجاب و عفاف به ویژه در غرفه ها است و مسلماً بعد از نمایشگاه هم از غرفه هایی که این مسائل را رعایت کرده باشند، تقدیر می کنیم.*

طی دو هفته گذشته علیه تبیض منتشر نشده است. به این دلیل از خوانندگان پوزش می خواهم. راستش نقشه من این بود طی چند ماه دوستان زیاد تری پا به این عرصه بگذارند و کم کم کنند تا نشریه واقعا به تریبون برای سازمان دادن اعتراضات جنبش زنان تبدیل شود. تا حالا اینطور نشده است. تهیه خبر و نوشتن در باره رویدادها و صفحه بندی نشریه باید یک کار گروهی باشد. متأسفانه آستینی را بالا زده ندیدم. هنوز نا امید نیستم. شما چه؟

مشاور استنادار تهران در امور بانوان از آموزش رایگان بیش از ۱۰ هزار زن تهرانی خبر داد و افزود: بسیاری از زنان بدحجاب تهرانی در پایان آموزشها با حجاب شده و زنان در آستانه طلاق به آغوش خانواده بازگشتند.

نظری اظهار داشت: این آموزشها به صورت حضوری در مساجد و پایگاههای بسیج و برخی از مدارس سراسر استان تهران برگزار می شود که به دلیل استقبال زیاد زنان تهرانی آموزشها ادامه دارد.

مشاور استنادار تهران در امور بانوان گفت: مریبان این طرح آموزشی طلاب زن برگزیده بوده و غیر از آموزش به زنان شرکت کننده مشاوره هم انجام می دهند و حتی به صورت تلفنی هم برای خانمها امکان پذیر است.

وی اظهار داشت: در پایان این کلاسها تمامی سوالات و شبهات در مورد حجاب به مدعوین پاسخ داده می شود.

نظری گفت: برخی از خانمهای بدحجاب در پایان این کلاسها به کلی تغییر کرده و با فلسفه حجاب آشنا شده و با حفظ حجاب اسلامی موجب تعجب و خوشحالی خانواده و دوستان شده اند.

مشاور استنادار تهران افزود: همچنین در این کلاسها خانمهایی حضور داشته اند که در مراحل آخر طلاق بودند ولی دوباره به زندگی مشترک بازگشتند.*

با این حساب اگر از این کلاس ها بیشتر داشته باشیم و بودجه های به مراتب بیشتری برای این کلاس ها در نظر گرفته شود. نه با پدیده بدحجابی روبرو خواهیم شد و نه با طلاق. راستی چقدر باید بودجه را بیشتر کرد؟

شکنجه های مرگبار يك زن بدست شوهرش

کارآگاهان از خانه مردی حدود ۱۰۰ ساعت فیلم شکنجه های همسرش را کشف کردند که نشان می داد وحید - ۴۵ ساله - نیمه های شب همسرش را به زور به طبقه بالای خانه دوطبقه قدیمی در جنوب شهر برده و به شکل فجیعی شکنجه می کرده است.*

رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: در مورد تفکیک جنسیتی دانشگاهها طبق گزارشی که دکتر دانشجو به ما داده است این نکته مطرح است که در صورت امکان، معاشرت مرد و زن و اختلاط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاهها براساس موازین اسلامی باشد.

علی عباسپور تهرانی فرد افزود: بر این اساس در شرایطی که امکان پذیر باشد، گروه های جداگانه ای برای دانشجویان دختر و پسر بدون تحمیل هزینه اضافه تر بر دانشگاه با بدون ایجاد اختلاف در برنامه درسی دانشجویان اختصاص دهیم، تفکیک جنسیتی انجام می شود.

وی افزود: در بسیاری رشته ها، کلاسها در گروه های متعددی تشکیل می شود، لذا می توان چند گروه را به دانشجویان دختر و تعدادی را به دانشجویان پسر اختصاص داد.

عباسپور خاطرنشان کرد: این که همه دانشگاه هایی که هم دختر و هم پسر پذیرش می کند را تفکیک کنیم، مطرح نبوده و نیست. به گفته وی، بحث هایی درباره تفکیک جنسیتی در چارچوب موازین اسلامی و قالب مذکور مطرح شده است و این امر فراتر از آن چارچوب امکان پذیر نیست، نمی توانیم کل دانشگاهی مثل دانشگاه تهران را تفکیک جنسیتی کنیم چون به ویژه در سال های آخر دوره لیسانس یا دوره های فوق لیسانس و دکترا تفکیک جنسیتی امکان پذیر نیست.*

رابط این تناقض گویی ها و هذیان بافی ها را با اعتراضات دانشجویان پیدا کنید دست و پا زدن در موقع جان کندن.*

احمدی مقدم با اشاره به اینکه مطالبات اجتماعی در زمینه برخورد با پدیده بدحجابی در حال افزایش است، افزود: با شروع فصل گرما و افزایش سفرها بدحجابی نیز تا اندازه ای افزایش پیدا می کند که نیروی انتظامی با این تعداد انگشت شمار که قصد دارند فضای جامعه را آلوده کنند برخورد کرده و در این راستا طرح مبارزه با بدحجابی را از تهران و در هفته گذشته آغاز کردیم و مردم مطمئن باشند که با مظاهر فساد و ناهنجاری های اجتماعی با قاطعیت برخورد می شود.*